

طرح فصلی خرید کتاب، روزنه امید چاپ و نشر کرونازده

مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گوید طرح‌های فصلی برای بالا بردن سرانه مطالعه مبارزه با کتاب‌های قاچاق و رونق اقتصاد نشر است



کزارش مصطفی شاه‌کرمی

حیدرسلگ پور آسپمن

شیوع ویروس کرونا این مسئله را تشدید کرده است. تأثیر گذاری منفی ویروس منحوس کرونا بر حوزه‌های مختلف از جمله مباحث اقتصادی و درآمدی مردم به گونه‌ای شده که اغلب خانواده‌ها دیگر حاضر به خرید کتاب نیستند و تهیه این‌ کالای استراتژیک حوزه فرهنگ دیگر در اولویت آنها نیست. در این روزگار کرونایی و کسادى حوزه کتاب، طرح‌های فصلی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد به‌رغم عیب و ایراد‌های متعدد، در رونق نسبی بخشیدن به حوزه نشر و کتابخوانی تحرکات خوبی را انجام داده است.



این طرح باعث می‌شود دست‌کم مخاطبان در ایام برگزاری آن س‌ری به کتابفروشی‌ها بزنند و هم‌با این فضا آشنا شوند و هم اینکه کتاب‌ها را از نزدیک لمس کنند و ورق بزنند؛ به هر حال قرار گرفتن در فضای کتابفروشی‌ها خواندن کتاب کاغذی با کتابی که به صورت الکترونیک منتشر می‌شود متفاوت است



شاعر و نویسنده فرانسوی زبان و شهروند غزه:

رسانه‌ها واقعیت وحشتناک غزه را نشان نمی‌دهند

کردن، مجازات و توقف قتل عام اتخاذ نشده است. این سکوت کرکننده دنیای رسمی، اشغال اسرائیل را ترغیب می‌کند تا بی‌وقفه و بدون مصونیت از مجازات، به سیاست نابودی فلسطینیان ادامه دهد. بسیاری از رهبران بین‌المللی برای نه گفتن به اشغالگری، بی‌عدالتی و آپارتاید اسرائیلی، اراده سیاسی و شهامت نشان ندانند این نهاد غیرقانونی از حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده و بقیه جهان برخوردار است از طرف سازمان‌های مشهور بین‌المللی که حتی نمی‌توانند ظلم و ستم اشغالگری را بر فلسطینیان برای چندین دهه محکوم کنند و در همه زمینه‌ها از سال ۱۹۴۸ هیچ تصمیم بین‌المللی قاطعی علیه این کشور غیرقانونی اعمال نشده است. در نتیجه این مصونیت از مجازات تنها می‌تواند ارتش اسرائیل را به ارتکاب جنایات جنگی جبیع تر علیه مردم فلسطین تحریک کند. بدتر اینکه همه دنیا تماشاگر شدامند.

آینده را در چشم اندازی متروکی که جلوی چشمان شماس‌خطور می‌بینید؟
با وجود همه اینها ما به آینده، آینده صلح و عدالت امیدوار هستیم. فلسطین آزاد خواهد شد. ما دوباره غزه را بازسازی خواهیم کرد. این را بلند و واضح فریاد می‌زنیم که اینجا سرزمین ماست و ما آن را ترک نخواهیم کرد اما در برابر این بی‌عدالتی وحشتناک که در حق ما صورت گرفته، در برابر چنین رنج‌هایی که به مردمان وارد شده است، چاره‌ای جز تحمل و مقاومت نداریم تا زمانی که تغییری رخ دهد. احساس صحر و



مردم غزه که بیش از ۱۵ سال تحت محاصره غیرانسانی اسرائیلی‌ها زندگی می‌کنند چه کردند؟ و کجا بودند؟ منطقه شهیدپرور غزه فراموش شده توسط جهانی است که هیچ کمکی به فلسطینیان نکرده‌اند به خصوص برای پایان دادن به این وضعیت و رنج‌های وحشتناک آنها. شهروندان غزه در تلاشند برای زنده ماندن در منطقه‌ای کاملاً آسیب دیده و در شرایط فجیع و ناگواری که اشغالگران اسرائیل برایشان ایجاد کرده‌اند زندگی کنند و سیاستمداران و رسانه‌هایشان سکوت کرده‌اند.

آیا امیدوارید از طرف سازمان ملل و جامعه بین‌المللی کاری انجام شود؟
پس از ۱۰ روز تجاوز وحشیانه اسرائیل ما امید به این مسیر و سازمان‌های بین‌المللی نداریم، هیچ تصمیم شجاعانه‌ای توسط نهادهای بین‌المللی برای محکوم

زیاد مدوخ، شاعر و نویسنده فرانسوی زبان ساکن غزه است که به عنوان رئیس بخش فرانسوی در دانشگاه‌الاقصی در غزه و هماهنگ‌کننده مرکز صلح فعالیت می‌کند و به دلیل تعهد به اصول دموکراسی، آزادی و حقوق بشر مشهور است. وی در سال ۲۰۱۱ به عنوان اولین شهروند فلسطینی نشان شوالیه از دانشگاه‌های فرانسه دریافت کرد. گفت‌وگوی این شاعر با نشر به‌ای فرانسوی را می‌خوانید.

■ ■ ■

نظر شما درباره موقعیت فرانسه و رسانه‌هایی که همیشه وابستگی بی‌درغ آنها به اسرائیل و حفظ امنیت آنها را ی‌داد آوری می‌کنند، چیست؟
فلسطینی‌ها در غزه از رسانه‌های رسمی که جنایات جنگی اسرائیل علیه غیرنظامیان فلسطینی را تأیید می‌کنند، هیچ انتظار و توقعی ندارند، چه رسد به رسانه‌هایی که واقعیت سخت آنجا را پنهان می‌کنند و نشان نمی‌دهند. چیزی که برای ما مهم است تظاهرات چشمگیر همبستگی هزاران شهروند انسان دوستی است که در خیابان‌های پاریس و سراسر فرانسه، بلکه در سراسر نقاط جهان اتفاق افتاده تا به بی‌عدالتی و ظلم به اهالی غزه نه بگویند و از یک هدف عادلانه حمایت کنند، سراسر نقاط جهان اتفاق افتاده تا به بی‌عدالتی و ظلم به اهالی غزه نه بگویند و از یک هدف عادلانه حمایت کنند، یعنی از مان فلسطین. سیاستمداران و رسانه‌های غربی فقط در صورت درگیری با فلسطین به نفع اسرائیل می‌پردازند. آنها مقابل سرنوشت غم‌انگیز ۲ میلیون نفر از

تعداد خریدار، تعداد جلد کتاب‌های فروخته شده و مبلغ فروخته شده نیز نشان‌دهنده رشد آمار است به طوری که در دوره اول ۲۴هزار نسخه اول فروخته شد اما در طرح آخر این رقم به ۴۴۰ هزار نسخه کتاب رسیده است. این آمار با وجود همه مشکلات و گرفتاری‌های اقتصادی، تحریم‌ها و بالا رفتن قیمت کاغذ رخ داده است، یعنی مجموعه عوامل بیرونی که در قیمت کتاب تأثیر دارند. من همیشه گفته‌ام که سیاست و اقتصاد بیشترین تأثیر را در فرهنگ دارند و حاضرم در هر سیمثیری که باشد با ادله ثابت کنم که عوامل غیرمستقیم بیشتر از وزارت ارشاد در بحث کتابخوانی تأثیر دارند.»

وی تأکید می‌کند: «اجرای این طرح طی شش سال اخیر سبب شده است کتابفروشی‌ها رونق بگیرند همچنین بچه‌ها و خانواده‌ها به فضای فرهنگی بروند. از سوی دیگر بر کاهش آسیب اجتماعی و آشنا شدن خانواده‌ها با کتاب‌های دیگر هم تأثیر داشته است. معتقدم این طرح با تغییر و تحولات جزئی می‌تواند به نقطه مطلوب خود برسد هر چند جدول و نمودارهای ما طی هفت سال قبل نشان‌دهنده این است که کتاب توسط خریداران واقعی خریداری شده است. همچنین آمار نشان می‌دهد اگر دسترسی و توزیع کتاب درست باشد هنوز رغبت به فرهنگ و کتاب و مطالعه و ظرفیت آن در کشور ما وجود دارد.»

فعالان حوزه نشر نباید درگیر مشکلات شوند
سیدمجتبی حسینی، فعال عرصه نشر نیز درباره طرح‌های توزیع یارانه کتاب از طریق کتابفروشی‌ها (طرح‌های فصلی فروش کتاب) با اشاره به لزوم حمایت از اهالی نشر به‌خصوص کتابفروشی‌ها می‌گوید: «طرح‌هایی از این قبیل که به صورت کمکی برای کتابفروشان در نظر گرفته می‌شود هم در دوران تورم و هم در شرایطی که کشور درگیر بیماری کروناست کمک و یزاهای به مردم می‌کند برای اینکه مخاطبان بیش از پیش جذب کتابفروشی‌ها شوند و سبب می‌شود در این ایامی که کتاب بسیار مهمجور است به این باتوق‌های فرهنگی روی بیاورند. به واقع بیماری کوید ۱۹ سبب شده است تا ما و دیگر همکاران کتابفروشان مخاطب کمتری داشته باشیم؛ از این رو که مردم موظفند در این ایام برای حفظ سلامتی خود و دیگران فاصله‌گذاری‌های تعیین شده را رعایت کنند و قاعدتاً حضورشان در کتابفروشی‌ها کمتر نگ‌تر می‌شود.» حسینی می‌افزاید: «اگر این تخفیفاتی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ارائه یارانه به کتابفروشی‌ها اختصاص می‌دهد، نباشد این حضور کمرنگ‌تر نیز می‌شود. به این دلیل که بسیاری از مردم کشورمان به اینترنت دسترسی ندارند تا بتوانند به صورت آنلاین و از طریق سایت‌های مجازی و... این مورد نظر خود را سفارش دهند، ولی این طرح باعث می‌شود دست‌کم مخاطبان در ایام برگزاری آن س‌ری به کتابفروشی‌ها بزنند و هم با این فضا آشنا شوند و هم اینکه کتاب‌ها را از نزدیک لمس کنند و ورق بزنند؛ به هر حال قرار گرفتن در فضای کتابفروشی‌ها خواندن کتاب کاغذی با کتابی که به صورت الکترونیک منتشر می‌شود متفاوت است.»

این فعال حوزه نشر در عین حال تأکید می‌کند: «گاهی با حضور شخص در کتابفروشی ممکن است کتاب‌هایی را که در آینده نیاز دارد رمدت تهیه کند. به واقع من طرح فصلی فروش کتاب همچون طرح بهارانه را از این جهت که مردم را پای کتابفروشی‌ها می‌کشاند مناسب و مفید می‌دانم. از طرفی هم این طرح بهارانه به ما کتابفروشی‌ها کمک بزرگی می‌کند چون روزه‌ای زیادی کتابفروشی‌ها تعطیل بودند و ما با رکود کتابخوانی مواجه شدیم. به واقع این طرح‌هاست که می‌تواند زیر پر و بال فرهنگ کتابخوانی و کتابفروشان را بگیرد.»

دست‌اندرکاران کتاب بانگ آزادی که زمستان سال ۱۳۹۸ پیش روی مخاطبان قرار گرفت، با تمرکز بر فعالیت‌ها وزندگی هنری مرحوم راغب که از او به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین هنرمندان حوزه سرود و موسیقی انتساب یاد می‌کنند، تلاش کرده‌اند تا در قالب یک نگاه رسانه‌ای که دارای جذابیت‌های متعددی است به پیشینه حضور موسیقی و سرود در فضای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بپردازند که قطعاً برای پژوهشگران و فعالان حوزه موسیقی دربرگیرنده ابعاد متنوعی است.

مرحوم راغب در بخشی از این کتاب به دیدارش با امام خمینی (ره) همراه با تعدادی دیگر اشاره می‌کند که به بهانه تولید سرود «ای مجاهد ای شهید مطهر» به مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری تألیف و با استقبال مردم هم مواجه شد. دیداری که در آن از زبان امام‌احل و مرحوم حاج‌احمدآقا خمینی روایت‌های جالبی درباره موسیقی شده که بخشی از آن را ادامه این مطلب از زبان مرحوم راغب می‌خوانید.

خبر دیدار حضرت امام (ره) محرمانه بود

خبر دیدار حضرت امام (ره) محرمانه بود و نباید جایی می‌گفتیم. ابتدا قرار بود من، آقای سبزواری، آقای گلریز و خود آقای حداد عادل باشیم. ولی بعد یکی دو نفر دیگر هم اضافه شدند. آقای فریدون شهپازیان که ناظر ضبط این اثر بودند و یک نفر دیگر از معاون‌های آقای حداد هم با ما آمدند.

وقتی داخل رقتیم، اول به سالن کوچک‌تری رسیدیم. آقای اسید احمد با سلام و احوال‌پرسی کرد و همه ما را بوسید. آقای حداد عادل به نوبت‌ما معرفی کرد و گفت ایشان آقای گلریز هستند که خوانندگی این سرود را به عهده داشته‌اند. بعد به ما گفت بچه‌ها شما بروید کمی آن طرف‌تر بایستید. به آقای سبزواری اشاره کرد و گفت ایشان آقای سبزواری هستند. اسید احمد گفت: «بله به ایشان که ارادت داریم و خدمتشان بوده‌ایم.» آقای سبزواری هم رفتند پیش آقای گلریز ایستادند. بعد به من اشاره کردند و گفتند ایشان هم آقای راغب، آهنگساز آن هستند. آقای حداد به آقای شهپازیان و آن دوست دیگرشان اشاره کردند و گفتند آقای شهپازیان هم در ساخت این قطعه تلاش بسیاری کرده‌اند. اسید احمد گفتند: «سپار خب، با هم بیایید.» به این ترتیب همگی باهم به حضور حضرت امام رقتیم. حضرت امام روبه‌روی ما نشستند بودند. ما به محض اینکه وارد سالن شدیم، نطقمان بسته شد و همین‌طور ماندیم که حالا چه کار باید کنیم. ابتدا سلام کردیم چون از ایشان دور بودیم و ایشان در انتهای سالن بودند، سعی کردیم سلام را بلندتر بگوییم. سرمان را هم تکان دادیم، همه از هم تبعیت می‌کردیم. هر کس هر حرکتی که انجام می‌داد، بقیه همان حرکت را انجام می‌دادند.

ایشان با حرکت دست به ما اشاره کردند که جلو برویم. امام آن روز عرقچینی روی سرشان گذاشته بودند و یک چیزی سفید روی شانه‌شان بود. با یک ردناشته بودند، لباسشان عیان‌نبود. روی میل نشسته بودند و میز کوچکی هم جلوی ایشان بود. ما جلوتر رفتیم تا تقریباً به دو قدمی ایشان رسیدیم. آنجا اسید احمد گفتند آقا، ایشان آقای گلریز هستند که خواننده سرود بوده‌اند. حضرت امام سرشان را تکان دادند. آقای گلریز سرش را پایین آورد و ایشان پیشانی آقای گلریز را بوسیدند. آقای گلریز هم دست حضرت امام را بوسیدند. بعد به آقای سبزواری اشاره کرد و گفت ایشان آقای حمید سبزواری با در واقع حسین محنتی هستند.



سیداحمد آقا گفتند: «آقای حداد، ببینید آقایان چه می‌خواهند. کم‌کم نیازها و احتیاجات اداری و هر کار دیگری که باید شود، برطرف کنید و کارهای لازم را انجام دهید مخصوصاً که حالا دیگر حضرت امام هم تأیید کرده‌اند.»
بعد ادامه دادند: «البته دشمنی‌ها بعد از این بیشتر هم خواهد شد. باید بگویم که هر کس حرکت کند، سنگ هم می‌خورد، لذا حواستان بیشتر جمع باشد و کار خودتان را کنید.»



خاطرات شنیدنی مرحوم استاد «احمدعلی راغب» از دیدار محرمانه با «امام خمینی»

از امام در خواست کردیم واحد موسیقی تشکیل دهیم

امام گفتند: «من اکثر سرودهای شما را شنیده‌ام»

مرحوم احمد علی راغب در کتاب خاطرات شفاهی‌اشن به دیدار خود و تعدادی دیگر از هنرمندان با حضرت امام خمینی (ره) اشاره و دیدگاه‌های ایشان پیرامون موسیقی و سرود را مرور کرده‌است. زنده‌یاد احمد علی راغب یکی از مؤثرترین هنرمندان حوزه موسیقی انقلاب اسلامی است که مطالعه خاطرات شفاهی این هنرمند فقید در کتاب «بانگ آزادی» خواننده را با درچه‌های جدید و تازه‌ای از جزئیات فرهنگی- هنری تاریخ انقلاب اسلامی مواجه می‌کند که تاکنون کمتر کسی از آن خبردار بوده‌است.

بعد اسید احمد به من اشاره کردند و گفتند ایشان هم آقای راغب هستند که آهنگساز این سرود بوده‌اند. خم شدم و ایشان پیشانی‌ام را بوسیدند. من هم دستشان را بوسیدم. در حالی که هنوز دست ایشان در دستم بود پرسیدند: «هل کجا هستی؟»
گفتم: «از پندر انزلی هستم آقا!»
ایشان گفتند: «هنگ بدون شعر این سرود را هم شنیده‌ام، کار خوبی است.»
بعد به آقای حداد گفتند: «شما جلوی بیایید.»
آقای حداد عادل جلو رفت و گردن و پیشانی و دست آقا را بوسید. اصلاً داشت از خود بی‌خود می‌شد. ما هم همین‌طور دور تا دور، دور تا زانو نشستیم.

من اکثر سرودهای شما را شنیده‌ام

حضرت امام گفتند: «من اکثر سرودهای شما شنیده‌ام. سیداحمدبرای من در این دستگاه می‌گزاردم من گوش می‌کنم. یک دستگاه ضبط کوچک کنارشان بود که به آن اشاره کردند. بیشتر آنها را قبول دارم و خوب است، ولی شما ابتدای کار هستید و باید تجربه کسب کنید. موسیقی ما باید از موسیقی دوره پهلوی فاصله زیادی بگیرد. ما اگر موسیقی را تأیید کنیم، آن موسیقی‌ای را تأیید می‌کنیم که موسیقی‌های دیگر نتوانند به آن داخل شوند. من موسیقی شهید مطهری شما را چندین بار گوش کرده‌ام و آن را تأیید می‌کنم. اگر همچنان این راه را ادامه بدهید، شما از شما حمایت می‌کنم. اگر هم مشکلی یا کاری داشتید، با سیداحمد صحبت و مطرح کنید.»

آقای حداد عادل گفتند: «آقا من مدام با آقا سید احمد در ارتباط هستم.» حضرت امام گفتند: «نه فقط حالا، اینها برای همیشه باید حمایت شوند.»
بعد حضرت امام ادامه دادند: «اینجا نشان داده‌اند که کارشان را بلدند و می‌توانند کار کنند ولی باید خیلی مواظب باشند. البته عده‌ای هم باید مواظب خود اینها باشند.»
بعد خطاب به ما گفتند: «شما کار خودتان را بکنید و همین راه را ادامه بدهید.»
حال همه ما طوری بود که اگر یک پلک می‌زدیم، اشک از چشمانمان جاری می‌شد. بلند شدیم و دوباره دست ایشان را بوسیدیم. در حالی که تک‌تک ما دستشان را می‌بوسیدیم، دعای کوتاهی را به تعداد ما زمزمه کردند. منوجه شدم که وقتی نفر بعدی دست ایشان را می‌بوسید، حضرت امام دوباره این دعا را دوباره می‌خوانند. بعد در حالی که صورت‌ما به سمت ایشان بود به عقب حرکت کردیم و تا در اتاق آمدم حضرت امام به آقای حداد گفتند آقایان بروند پایین جای بخورند. وقتی از پله‌ها پایین رفتیم، بعد از چند دقیقه آقا سید احمد هم پایین آمد. کاغذی در دست داشت، گفت: «خب کمی راجع به مشکلاتان صحبت کنید.» من گفتم ما هنوز واحد موسیقی نداریم. رادیو سالیان سال متولی موسیقی کشور بوده‌است. ما الآن نمی‌دانیم سرمان بر بالین چه کسی است.

درخواست کردیم واحد موسیقی تشکیل دهیم

کتابخانه را یکی یکی می‌گفتم و آقا سید احمد یادداشت می‌کرد. گفت: «الان به نظر تان باید چه کار کنیم؟»
درخواست کردیم که واحد موسیقی تشکیل دهیم. شبیه اداره باشد و مدیریتش کنیم. گفتیم همه می‌خوانند. بعد از آنجا اسید احمد گفتند آقا، برای موسیقی هنوز هم تلفنی هماهنگی می‌شود. ولی از انقلاب، نوازنده‌ها را رادیو تلویزیون کارت شناسایی داشتند و با آن یک پُزی می‌دادند که ما از رادیو تلویزیون هم هستیم. آن زمان نوازنده خیلی زیاد بود. لاله‌زار هم نوازنده‌های زیادی داشت، ولی آنهایی که در رادیو تلویزیون کار می‌کردند کارت شناسایی داشتند گفت: «این مشکل شما را حل می‌کند؟»
گفتم: بله این مشکلات یادداشت شد. گفتند: «پس واحد موسیقی تشکیل بدهید و کارت صادر کنید.»
در واقع با این اتفاق حضرت امام مجوز شروع به کار ما را در موسیقی بعد از انقلاب صادر کردند. سیداحمد آقا گفتند: «آقای حداد، ببینید آقایان چه می‌خواهند. کم‌کم نیازها و احتیاجات اداری و هر کار دیگری که باید شود، برطرف کنید و کارهای لازم را انجام دهید مخصوصاً که حالا دیگر حضرت امام هم تأیید کرده‌اند.»
بعد ادامه دادند: «البته دشمنی‌ها بعد از این بیشتر هم خواهد شد. باید بگویم که هر کس حرکت کند، سنگ هم می‌خورد، لذا حواستان بیشتر جمع باشد و کار خودتان را کنید.»